



پنهان نام خانوادگی درج شده است



جلسه هفتم

آثار و اسرار نماز



مرکز آموزش مجازی دانشگاهیان





جلسه هفتم

آثار خانوادگی و اجتماعی نماز

”نماز“ علاوه بر آثار فردی، آثار اجتماعی را هم به دنبال دارد که یکی از آن آثار، **آثار خانوادگی** است که برپا بودن نماز در خانواده که اقامه نماز است به این معناست که موقعیت نماز به عنوان یک نماد فرهنگی حفظ بشود. نماز فقط یک نیایش فردی نیست بلکه یک مناسکی است که طی آن رفتار هماهنگ و نظام‌مند اعضای جامعه کوچکی را باید هدایت بکند. در بُعد فردی نماز هیچ جای تردیدی نیست اما ما از روایات نماز استفاده می‌کنیم که نماز تأثیرات جمعی به دنبال دارد. تأثیر اجتماعی دارد. بهترین شاهد آن هم تعبیر ”اقامه“ است.

ما در روایات و آیات بیشتر از واژه ”اقام، یقیمون و اقاموا“ از واژه‌های اقامه‌های صلات استفاده شده است. مفسرین و علمای لغت تأکید دارند که منظور از اقامه صلات یک عمل جوارحی صرف که خواندن باشد نیست بلکه به معنی برپا کردن و برپا نگه داشتن نماز است. خداوند خطاب به پیامبرش هم می‌فرماید که خاندان خودت را به نماز امر کن و خودت هم بر نماز صابر باش. بنابراین، اقامه نماز مطرح است و اقامه نماز تأثیر اجتماعی دارد. ثانیاً می‌بینیم که باز در این آیه شریفه خداوند به پیامبر می‌فرماید که «وَأْمُرْ أُمَّرَكَ بِصَلَاةٍ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا» یعنی ما نسبت به این که خانواده ما، خانواده نمازخوان بشوند و اهل نماز بشوند وظیفه داریم.

یکی از آثاری که می‌شود در بُعد خانوادگی ذکر کرد نقش نماز است در برنامه‌ریزی‌های خانوادگی. مدیریت برنامه‌ریزی نقش مهمی در زندگی خانوادگی دارد. مهمترین عنصر هم در مدیریت، زمان‌بندی کارها و زمان‌بندی آنهاست. اسلام برای رسیدن انسان به سعادت، در وقت عبادت تأکید ویژه‌ای دارد. نظم در عبادت که ما داریم در نماز رعایت می‌کنیم این است که مشوّق رعایت نظم در بقیه امور است. در باب آن نماز، قرآن می‌فرماید که «فَاقِيمُوا الصَّلَاةَ» ان الصلوة کانت علی المؤمنین کتاباً موقوتاً» یعنی نماز، در وقت خاصی از شما خواسته شده که انجام بدهید. همین رعایت نظم در نماز می‌تواند کمک کند و ما را آماده کند برای این



که بتوانیم بقیه امور زندگی را هم مدیریت کنیم. بر همین اساس ما، ساعت خواب و بیداری خودمان را تنظیم کنیم، ساعت فعالیت اقتصادی را تنظیم بکنیم. نماز دیگر مثل نماز جمعه و اعیاد هم، این‌ها در مدیریت زندگی می‌توانند اثرگذار باشند. تعطیلی فعالیت اقتصادی هنگام نماز جمعه که خداوند می‌فرماید «و ذرو البیع ذلکم خیر لکم ان کنتم تعلمون» یا توصیه به بهداشت و نظافت قبل از رفتن به نماز جمعه، به نماز عید، پوشیدن لباس‌های نو و دید و بازدیدهایی که در روزهای عید و جمعه بیان شده، این‌ها حکایت از این دارد که ما در جامعه دینی باید در دید و بازدیدهایمان در نظافت و بهداشتمان نوعی از تدبیر را به دنبال داشته باشد. بنابراین یکی از آثاری که در مجموع می‌توانیم از آن یاد بکنیم اثری است که می‌تواند نماز بر نوع تدبیر منزل و نظم در زندگی داشته باشد. از جمله برکاتی که بر نماز مرتب است نماز تأثیر ویژه‌ای می‌تواند بر بهبود روابط خانوادگی و خویشاوندی داشته باشد. اولین این که نماز، روحیه عطوفت و مهربانی را در انسان تقویت می‌کند این خودش موجب بهبود در روابط خانواده می‌شود. انسانی که اهل نماز است او باید مهربان‌تر از بقیه باشد و تقویت بُعد معنوی به مهربانی انسان می‌افزاید.

علاوه بر این ما در آیات و روایات متعدد داریم که قبولی عبادات و نماز شما مشروط به بهبود روابط شماست با خویشاوندان. به عبارت دیگر، وقتی خداوند دارد به ما می‌گوید اگر می‌خواهید نمازتان قبول بشود باید سایر روابطتان را اصلاح کنید دارد خداوند از یک عمل عبادی معنوی در جهت بهبود اوضاع خانوادگی استفاده می‌کند. در روایتی از پیامبر (ص) آمده است که کسی که زن دارد و او را اذیت می‌کند و آزار می‌دهد خداوند نماز و سایر رفتارهای او را قبول نمی‌کند. بعد هم می‌فرماید مردان هم حکم زنان را دارند. یعنی اگر زنی هم شوهر خودش را اذیت بکند نمازش و رفتار و حسنه‌شان مورد قبول درگاه خداوند نخواهد بود. «من کان له امرأه تعضیح لم یقبل الله صلاتها و لا حسنۃ من عملها» بعد آخرش هم می‌فرماید «و علی الرجل مثل ذلک» این روایت در وسایل الشیعه ذکر شده است. باید توجه داشته باشیم که یک چنین رابطه‌ای وجود دارد میان عبادت، قبولی نماز از یک طرف و نوع رفتار ما با خانواده از طرف دیگر، بنابراین نماز می‌تواند به بهبود روابط خانوادگی منجر بشود.



این که عرض کردیم نماز، سبب تقویت روحی و عطوفت و مهربانی می‌شود به این دلیل است که انسان مؤمن و اهل نماز از یک طرف، وظیفه خودش را مهربانی کردن نسبت به دیگران می‌بیند. خدا را، آن اسمی که برایش ذکر می‌کنند در اول نماز «بسم الله الرحمن الرحیم» اولین وصفی که برای خدا ذکر می‌کند مهربانی و بخشنده‌گی خداوند است، انسان مؤمن هم سعی می‌کند خودش را به این خدایی نزدیک کند که این خدا، خدای بخشنده و مهربان است. بنابراین انسان مؤمن در مسیر خدا حرکت می‌کند و در مسیر کسب آن صفات حرکت می‌کند. بعد از این، نماز با توجه منجر می‌شود به روحیه عطوفت و مهربانی انسان نسبت به دیگران. و این عطوفت، در خانواده و در روابط اجتماعی اثر خودش را نشان می‌دهد.

از جمله آثار نماز در روابط خانوادگی نقشی است که می‌تواند در تربیت فرزندان به دنبال داشته باشد. اولاً ما در روایات تأکید ویژه‌ای می‌بینیم در ضرورت توجه به نماز فرزندان مان. این که ما باید ببینیم فرزندان مان چکار می‌کنند؟ اهل عبادت هستند یا نیستند؟ اهل نماز هستند یا نیستند؟ در روایات آمده که وقتی مؤمنی از گناه خودش را حفظ می‌کند و به واجبات عمل می‌کند و خانواده خودش را از گناه حفظ می‌کند و آن‌ها را به عبادت و می‌دارد و در مسیر عبادت قرار می‌دهد در قیامت زن و فرزندش به او می‌گویند خدا خودش را جزای خیر بدهد که در دنیا به ما تعلیم دادی و به آنچه مأمور بودی ما را امر کردی و از زشتی‌ها ما را نهی کردی و به همین سبب هم خودت را نجات دادی و هم ما را از عذاب رهایی‌دی. آن وقت او با تمام عهد و عیالش به بهشت روانه می‌شود. این روایت نشان دهنده ضرورت توجه هر فردی نسبت به نماز فرزندانش هست. بنابراین یکی از آثار نماز، نقش نماز در تربیت فرزند است. از سوی دیگر، از جمله آثار نماز، توجه ویژه فرزندان به والدین است و رعایت حقوق والدین به فرزندان است. در روایتی از امام صادق (ع) تأکید شده که شرط قبولی نماز شما برخورد درست و اصلاح شده شما با پدر و مادران است. و لذا حضرت می‌فرماید: که «من نظر إلی ابویه نظر ما قط و لهم ما له ظالمان یقبل الله تعالی له صلات» یعنی هر کس به پدر و مادری که حتی به او ظلم کرده، با چشم بغض و کینه به او نگاه کند نمازش در پیشگاه خداوند قبول



نخواهد شد. لذا می‌بینیم که خداوند پیوند می‌زند بین نماز با نوع روابط اجتماعی، با نوع برخورد شما با والدین. و همچنین نوع برخورد والدین با یکدیگر و با فرزندان. به همین جهت نماز می‌تواند در نظام خانواده و در نوع تربیت فرزند و در نوع برخوردها با خانواده نقش مؤثری را به دنبال داشته باشد.

اگر هم ما نقش آن را بطور کافی نمی‌بینیم بخاطر این است که توجه درست به نماز نداریم و لذا لازم است که ما نماز خودمان را ارتقاء بدهیم ابعاد آن را بشناسیم و برای حفظ زحماتی که در این عبادت متحمل می‌شویم تلاش کنیم و مقدمات آن‌ها را فراهم کنیم.

یکی از آثاری که نماز در عرصه خانواده می‌تواند داشته باشد نقش آن در ایجاد انسجام خانوادگی است. چرا به این نقش می‌انجامد؟ برای این که اگر همه اعضای خانواده اهل نماز باشند اولاً همه، باورهای مشترک دارند، همه دیدگاه واحد دارند، همه ارزش‌های واحدی دارند که این ارزش‌های واحد و نگاه واحد به ارزش‌ها و نظام رفتاری و اخلاقی به آن‌ها یک انسجام می‌بخشد و بعد هم این، از طرف دیگر، سبب حفظ این انسجام خواهد بود. یکی از عواملی که منجر به حفظ می‌شود خود نوع باور دینی است که از طریق نماز به ما القاء می‌شود. نماز و پیوند ما با خدا موجب ثبات و وحدت شخصیت می‌شود. انسانی که با خدا پیوند دارد و خودش را در برابر او مسئول می‌داند او در مسیر واحدی در طول عمر خودش حرکت می‌کند و در این مسیر دچار تزلزل نمی‌شود. اگر همه اعضای خانواده در مسیر خدا حرکت کنند و با این ثبات قدم در این مسیر گام بردارند از یک طرف، وحدت و انسجام است و از طرف دیگر این وحدت و انسجام حفظ می‌شود و ما اگر نماز خودمان را ارتقاء بدهیم این اثر را در زندگی‌مان مشاهده خواهیم کرد. نماز به ما توصیه می‌کند که ما خدای واحد را بشناسیم و سراغ اربابان غیر الهی نرویم و بلکه قرآن می‌فرماید «اربابان متفرقون خیر علی الله الواحد القهار» آیا داشتن رب‌های متفرق، ارباب متفرق خوب است یا ایمان به خدای واحد و قهار؟ می‌بینیم که خداوند از ما می‌خواهد که ما بالاترین ارزش را با او بدهیم و در مسیر او حرکت کنیم و اگر ما اهل اقامه نماز



باشیم به نوعی به وحدت درونی دست پیدا خواهیم کرد. در یک نظام هماهنگی بر خانواده حاکم خواهد شد و این نظام هماهنگ، چون که خداوند به ما ثبات قدم عطا می کند این ثبات قدم در زندگی خانوادگی نیز مشاهده خواهد شد. بنابراین همین امر منجر می شود به انسجام خانوادگی و منجر می شود به کاهش بروز اضطراب در خانواده، امنیت محیط خانواده تابع امنیت درونی اعضای خانواده است. اعضای خانواده در پرتو نماز و پیوند با نور الهی به نوعی امنیت درونی می رسند و این امنیت درونی جلوه رفتاری اش در محیط خانواده یکپارچگی خانواده است. اعضای خانواده که همه به ریسمان الهی چنگ می زنند و همه با نماز به خداوند متصل می شود این اعضاء از نوعی امنیت درونی برخوردارند و این امنیت درونی که همه شان دارند منجر می شود به نوعی انسجام در بیرون، یعنی در فضای محیط خانواده.

یکی از برکات اجتماعی نماز، توجه به حقوق دیگران است بر اساس دستورات اسلام و احکام شرعی با تضییع حقوق دیگران در تضاد است. شما در نماز باید از مال غصبی پرهیز بکنید و این سبب بطلان نماز می شود. بنابراین نماز و تقیّد به نماز سبب تقویت توجه به حقوق دیگران می شود و می شود این حساسیت را در فرد افزایش بدهد از جمله برکات اجتماعی نماز این است که نماز سبب تأخیر عذاب از مردم می شود یعنی حتی اگر در جامعه ای عده ای نمازخوان باشند نمازخوانی یک عده سبب حفظ بقیه هم از عذاب می شود تا حدی. حضرت می فرمایند خدا اراده می کند که اهل زمین را عذاب کند وقتی که مرتکب گناه بشوند طوری که دیگر هیچ کس باقی نماند. اما بعد که می بیند سالخورده ها به سمت نماز حرکت می کنند و بچه ها را قرآن آموزش می دهند بخاطر همین حرکت به سمت نماز، آن ها را مورد رحمت قرار می دهد و بقیه را هم از عذاب حفظ می کند.

نماز، علاوه بر آثار اجتماعی، آثار اعتقادی هم به دنبال دارد. روایت داریم که نماز، سرچشمه هدایت و معرفت است. نماز هم نقش راهنمایی را دارد یعنی راه سعادت را به ما نشان می دهد مثل یک قطب نمایی هست که در طول شبانه روز در یک اقیانوس طوفانی و پرخطر سمت خدا را به انسان نشان می دهد. در یک جاده پرخطر ما حرکت می کنیم و



دائماً این جاده می‌تواند منحرف شود تا وقتی که انسان نماز می‌خواند توجه می‌کند به سمت صحیح حرکت و جهت صحیح را نشانه می‌رود و خودش را بررسی می‌کند که در این مسیری که من داشتم می‌رفتم در کجا قرار دارم؟ آیا به سمت صحیح دارم حرکت می‌کنم و مسیرم دچار انحراف شده است. این از یک جهت، و از طرف دیگر راهبری هم می‌کند و دست انسان را می‌گیرد و پیش می‌برد.

یکی از برکات نماز، تقویت اعتقادات است. در زیارت امین‌الله اینگونه آمده است «واعبدت الله مخلصاً حتی اتیک الیقین» یعنی خدا را عبادت کردی تا به یقین رسیدی. ما در زیارت رسول‌الله (ص) همین فقره را داریم و برکاتی که بر نماز بار می‌شود آثار معنوی است. نماز آثار معنوی به دنبال دارد که مهمترین آثار معنوی آن قرب الهی است یعنی انسان را به خداوند نزدیک می‌کند. قرب، در این جا به معنای قرب مکانی نیست، چون خداوند همه جا هست معنا ندارد که بگوییم به خدا نزدیک می‌شویم یا از خدا دور می‌شویم همه ما در این جهان مخلوق خداوند هستیم و خداوند به همه ما اشراف دارد که البته منظور قرب زمانی و مکانی نیست. یعنی این‌طور نیست که بگوییم که ما با نماز خواندن زماناً به خدا نزدیک می‌شویم یا در مکان، یا محل خدا نزدیک می‌شویم؟ خیر. منظور قرب وجودی هست، قرب وجودی هم باز دوگونه است یک قرب تکوینی داریم که این قرب تکوینی یعنی همه موجودات تکویناً به خدا نزدیک هستند این که می‌گوییم «علیٰ إنه بکل شیء محیط» آگاه باشید که خداوند به همه امور احاطه دارد یا می‌فرماید «لقد خلقنا الانسان نعلم ما توسوس به نفسه و نحن اقرب الیه من حبل الوريد» این ناظر به همین قرب تکوینی است. یعنی ما انسان را آفریدیم و از وسوسه‌های او خبر داریم می‌دانیم او چه وساوسی نسبت به خودش دارد، چه تخیلاتی دارد و ما از رگ گردن به او نزدیک‌تر هستیم. این قربی است که خدا نسبت به همه موجودات دارد.

ولی یک قربی دومی است که این حاصل رفتار اختیاری انسان است. این در صورتی که انسان با اراده خودش به خاطر خدا کاری را انجام داد این جا صفات درونی او و ویژگی‌های الهی او شکوفا می‌شود اینجاست که در این صورت انسان معرفت قلبی‌اش به خدا افزایش می‌دهد احساس نیازمندی به خدا را بیشتر درک می‌کند عظمت او را و کاستی خودش



را بهتر درک می‌کند و همین اتصال قلبی سبب می‌شود که برکاتی از سوی خدا به او نازل می‌شود و صفات الهی را به تدریج کسب کند یعنی ما در این دنیا، اگرچه فاصله زیادی با خدا داریم «و لیس کمثله شیء» هیچ کس مثل خدا نیست و ما در هیچ صفتی نمی‌توانیم مثل خدا بشویم بلکه برخی از صفات این‌ها منحصرأ صفات الهی است کسی دیگر نمی‌تواند دست پیدا کند ما هرگز نمی‌توانیم به درجه علم و قدرت و اراده اختیاری خداوند برسیم، ولی در عین حال، ما به درجه‌ای از صفات می‌توانیم دست پیدا کنیم یعنی ما می‌توانیم بخشندگی‌ای که خداوند دارد ما هم درجه‌ای از بخشندگی را داشته باشیم ما هم مهربان باشیم نسبت به دیگران، به تدریج، صفاتی از صفات الهی را هم ما می‌توانیم کسب کنیم.

این قربی که در این‌جا منظور است قرب وجودی است، ما در سایه نماز، به تدریج گوهر وجودی خودمان را الهی می‌کنیم. این گوهری که می‌تواند حیوانی بشود می‌تواند انسانی بشود و می‌تواند از انسان فراتر برود و الهی بشود ما این گوهر را شکوفا می‌کنیم. مثل غنچه‌ای که به تدریج شکوفا می‌شود و رشد پیدا می‌کند. این یکی از برکات نماز است. از جمله برکات نماز، و آثار آن، خشوع است. نماز سبب کبرستیزی و خشوع انسان است. تکبر و غرور که بالاترین آن است قرب الهی و محبت ربوبی است این تکبر از طریق نماز زائل می‌شود یعنی ما با نماز می‌توانیم با غرور مبارزه کنیم و هر قدر نماز با توجه بیشتری باشد کمتر به غرور مبتلا خواهیم شد. لذا با توجه به این که نماز این آثار را دارد ما توجه بکنیم که این آثار را در خودمان ایجاد کنیم و اگر این آثار را کمتر مواجه می‌کنیم بخاطر این است که از این ظرفیت این نعمت درست بهره‌برداری نمی‌کنیم. نماز از جمله آثاری که به دنبال دارد تقویت خشوع در انسان است. در روایتی از امام صادق (ع) نقل شده که حضرت می‌فرمایند خداوند به حضرت موسی بن عمران وحی کرد که ای موسی می‌دانی که من برای چه تو را برای هم‌کلامی خودم برگزیدم و به تو لقب کلیم‌اللهی دادم؟ موسی عرض کرد که نمی‌دانم. خداوند فرمود من بندگانم را بررسی کردم و هیچ کس را به اندازه تو در برابر خودم متواضع و فروتن نیافتم. بعد هم می‌فرمایند که شما



وقتی نماز می‌گذاری آنچنان گونه‌ات را به خاک می‌نهی و چهره بر زمین می‌گذاری با این کیفیت عالی که این سجده را انجام می‌دهی.

مضمون این روایت ناظر به این است که چگونه نماز، منجر به تواضع می‌شود و تواضع چگونه انسان را نزد خدا بالا می‌برد؟

از جمله برکات نماز، شیطان‌ستیزی است. شیطان که قسم خورده انسان را دچار گمراهی بکند، و البته در صورتی که انسان نفس‌پرست باشد مقهور شیطان قرار می‌گیرد. نماز از جمله عواملی است که انسان را در مقابل شیطان قوی می‌کند. شیطان، می‌آید به انسان و سوسه می‌کند و کار غلط او را خوب نشان می‌دهد «زین لهم الشیطان اعمالهم» می‌آید کارهای غلط را می‌آراید و آن‌ها را زیبا نشان می‌دهد. ما از طریق نماز می‌توانیم جلوگیری کنیم از تزئینات شیطانی. از این تسویلات نفسانی. و لذا اگر ما بخواهیم خودمان را از شر شیطان حفظ کنیم باید کیفیت نمازمان را بالا ببریم. پیامبر اکرم (ص) در روایتی می‌فرمایند که نماز یکی از اعمالی است که مانع اهداف شیطان می‌شود. بخاطر چه؟ چون که سبب وحشت و فرار از انسان نمازگزار است. در روایت داریم که وقتی انسان سر نماز می‌رود، نماز مثل سپری است که انسان را در برابر ضربه‌های شیطان محافظت می‌کند. نماز می‌تواند چنین توانی به انسان بدهد. لذا در روایت داریم که نماز موجب خواری و ذلت شیطان می‌شود. وقتی شیطان می‌بیند که انسان سراغ نماز رفته، شیطان از او ناامید می‌شود و واقعاً از این که دارد از او فاصله می‌گیرد ناراحت است. بنابراین نماز، از جمله عواملی است که سبب دور کردن شیطان از انسان می‌شود و لذا آنچه که در قرآن می‌خوانیم شیطان تلاش می‌کند با ابزارهایی مثل شراب و خمار، بین انسان‌ها دشمنی ایجاد بکند و آن‌ها را از ذکر خدا بازدارد. خب این کاری است که شیطان انجام می‌دهد. خب از این طرف ما با نماز می‌توانیم با چنین شیطانی مبارزه کنیم که فرشتگان را انسان همراه می‌کند و در برخی از روایات روی این تأکید شده که وقتی انسان به نماز می‌ایستد فرشتگانی او را احاطه می‌کنند و رحمت الهی بر او نازل می‌کنند از جمله آثار نماز نزول برکات الهی بر انسان است و در روایات متعددی آمده که هنگام نماز، خداوند



رحمتش را بر فرد نازل می‌کند و در روایتی از امام علی (ع) می‌فرمایند وقتی انسان به نماز می‌ایستد چنان رحمت خداوند سراپای وجود انسان را می‌گیرد که حسادت شیطان برانگیخته می‌شود. بنابراین نماز هم آثار فردی به دنبال دارد و هم آثار اجتماعی. در آثار فردی هم در بُعد هیجانات و عواطف اثرگذار است و به کاهش اضطراب می‌انجامد. در بخش شناختی اثرگذار است و به هدایت نظام شناختی و فکری انسان منجر می‌شود. در رفتار انسان اثرگذار است و به تقویت اراده به عمل می‌انجامد. به افزایش سطح تحمل منجر می‌شود. در بُعد معنوی بستر رشد معنوی را فراهم می‌کند و در بُعد اعتقادی می‌تواند به تدریج فهم انسان را تبدیل به باور بکند. در ساحت اجتماعی هم، هم در خانواده و هم در سطح اجتماع اثرگذار است، در خانواده به بهبود روابط خانوادگی و انسجام خانوادگی و تقویت محبت بین خانواده می‌انجامد و در سطح اجتماع می‌تواند به کاهش جرائم منجر بشود. و با مکانیزم حیا و تعدیل و مکانیزم معرفت از جرم جلوگیری کند. به تألیف قلوب مؤمنین منجر بشود و زمینه آشنایی بیشتر آن‌ها را هم دیگر فراهم کند. آن‌ها همدیگر را کمک کنند و بستر امداد و یاری آن‌ها را نسبت به هم افزایش بدهد. این‌ها برکات فراوانی است که بر نماز مترتب می‌شود و از طرفی ما باید نماز را ارتقاء بدهیم تا این آثار را بیشتر درک کنیم و از طرفی جا دارد که محققین مطالعات بیشتری را در بررسی تک تک این آثار داشته باشند تا ابعاد ناشناخته این عبادت الهی، حتی در این دنیای مادی هم بر ما آشکار بشود.

نماز علاوه بر آثار اخروی، آثار دنیوی را هم به دنبال دارد و ما هر قدر دقت بیشتری در انجام بهتر این فریضه به خرج بدهیم شاهد برکات آن در سطح فرد و اجتماع خواهیم بود. از جمله آثاری که برای نماز می‌توان ذکر کرد آثاری است که در سطح اجتماعی می‌تواند به دنبال داشته باشد. نماز در جامعه هم اثرگذار است. با توجه به این که آنچه بر آن تأکید شده اقامه نماز است و از لفظ "اقامه یقیمون یقیموا" در قرآن داریم. و اقامه نماز، فراتر از خواندن است به معنای برپا کردن و برپا نگه داشتن نماز است. گویا، نماز خودش به منزله یک نماد فرهنگی است که باید در جامعه حفظ و تقویت بشود و آثار و



برکاتش را به دنبال داشته باشد.

در فضای اجتماع، از جمله آثاری که نماز می‌تواند به دنبال داشته باشد کاهش جرائم و تقویت کنترل اجتماعی است. همانگونه که روزه در ماه رمضان، بررسی‌ها نشان می‌دهد که میزان جرائم را ماه رمضان کاهش می‌دهد و تقوای مردم تقویت می‌شود، نماز هم چنین اثری را تا حدی به دنبال دارد و هر قدر ما به نماز بیشتر توجه کنیم و به ارتقای کیفیت آن پردازیم آثارش را بیشتر مشاهده خواهیم کرد. از آیات و روایات استفاده می‌شود که نماز مؤثر در ایجاد مکانیسم کنترل است. و همانطور که در قرآن در سوره عنکبوت/ آیه ۴۵ ما می‌خوانیم «أقم الصلوه إن الصلوه تنهى عن الفحشاء والمنکر» یعنی نماز را اقامه کنید (اینجا روی اقامه نماز تأکید شده است) و به درستی که نماز از فحشاء منکر جلوگیری می‌کند. باز در سوره هود، به نحو دیگری به نقش کنترل نماز تأکید شده و گفته شده که نماز سبب از بین بردن سیئات است یعنی پلیدی‌ها و گناهان را پاک می‌کند و پاک کردن گناهان می‌تواند جلوه‌های مختلفی داشته باشد. این که چگونه نماز به کنترل اجتماعی می‌انجامد؟ مکانیزم‌های متعددی را در انسان در سطح جامعه فعال می‌کند که نتیجه آن کنترل جرائم و تقویت کنترل اجتماعی است. این که چگونه نماز به کاهش جرائم و تقویت کنترل اجتماعی منجر می‌شود از طریق مکانیزم‌های متعدد است یکی از آن‌ها مکانیزم حیا است. حیا، نوعی حالت درونی و نفسانی است که به خودکنترلی منجر می‌شود. در کسی که حیا تقویت می‌شود برخی رفتارها سر نمی‌زند و قوت کنترل او نسبت به انجام رفتارها بالا می‌رود. افزایش پیدا می‌کند. نماز سبب می‌شود که خودکنترلی در افراد افزایش و ارتقاء پیدا کند.

در روایات ما، یکی از آثاری که برای نماز ذکر شده، تقویت حیا است، از جمله موارد آن حضور در مسجد است. از جمله آثاری که برای ایجاد حیا ذکر شده است حضور در مسجد است. در روایات داریم که کسی که با مسجد ارتباط برقرار می‌کند این ارتباط سبب می‌شود که گناه را ترک بکند. حالا یا بخاطر ترس از خداوند یا به خاطر حیا. خود رفت و آمد به مسجد، موجب تقویت جلوگیری از برخی جرائم می‌شود. لذا افرادی که



رفت و آمد به مسجد دارند معمولاً افرادی هستند که اهل جرم و جنایت کمتر هستند و زمانی که جوانی تصمیم می‌گیرد به مسجد برود کنترل نفسانی‌اش همزمان تقویت می‌شود. امام صادق (ع) در باب نماز جماعت برکاتی را ذکر می‌کنند از جمله برکات، می‌فرمایند که «و زجر عن کثیر من معاص الله عزوجل» یعنی یکی از فوایدی که برای نماز جماعت وجود دارد و در این روایت از حضرت سؤال شده که خداوند برای چه نماز جماعت را مورد تأکید قرار داده مستحب تلقی کرده، علتی که بیان شده، فوایدی را حضرت ذکر می‌کنند، یکی از آن فواید این است که از بسیاری از گناهان جلوگیری می‌کند. کسی که اهل رفت و آمد به مسجد است از بسیاری از گناهان به تدریج حفظ خواهد شد. بنابراین رفت و آمد به مسجد، از جمله عوامل کنترل انسان از گناه است.

از جمله مکانیزم‌های دیگری که از طریق نماز به انسان حاصل می‌شود و منجر به کاهش جرائم می‌شود، تقویت مکانیزم تعدیل در انسان است. نماز سبب می‌شود که انسان تعدیل بشود یعنی کشش‌های نفسانی و شهوانی‌اش را کنترل کند. در سورهٔ مریم، خصوصیت بنی‌اسرائیل را که ذکر می‌کند می‌گوید این‌ها انسان‌های ناخلف از تبار انبیاء بودند، بعد ویژگی‌هایی را برای آن‌ها ذکر می‌کند. دوتا ویژگی که بیان شده می‌فرماید «و خلف من بعدهم خلف اواء ثلاث و تبع الشهوات، و سوف یلقون غیا» یعنی ویژگی این‌ها این بود که این‌ها نماز را ضایع می‌کردند و از هوای نفس پیروی می‌کردند. یعنی گویا پیوندی ملازمه‌ای وجود دارد میان ضایع کردن و ترک نماز و پیروی از شهوات.

سومین راهبرد کنترلی نماز، تحکیم دانش و معرفت نمازگزاران است. یعنی نمازگزار با هدایتی که از مجموعه معارفی نمازی به دست می‌آورد و به خودش تلقین می‌کند در سایه این، از برخی از منکرات و خلاف‌ها خودش را حفظ می‌کند و در واقع به گونه‌ای نسبت به آن‌ها واکسینه می‌شود. این که در ساعات مختلف شبانه روز متعدياً مطالبی را به خودش تلقین بکند و یک اموری را خطا بداند خودبه‌خود منجر به تقویت خودکنترلی می‌شود. البته هر قدر ما در نماز توجه بیشتری به محتوا داشته باشیم میزان اثرگذاری‌اش برای ارتقاء خودکنترلی هم بیشتر خواهد بود. نماز هم به لحاظ تقویت



ارزش‌های دینی و هم به لحاظ خود همگرایی‌هایی که در نماز جماعت حاصل می‌شود به تألیف قلوب کمک می‌کند. کسی که نماز می‌خواند خودبخود به ارزش‌های دینی بیشتر توجه می‌کند. و چون یکی از ارزش‌های دینی اخوت و همدلی است خودبخود نماز خواندن منجر می‌شود که به دیگران توجه بیشتری داشته باشد. کسی که در نماز دارد دائماً به اذکار به نحو جمع ذکر می‌کند یعنی از خداوند می‌خواهد و می‌گوید «ایاک نعبد» ما همه تو را می‌پرستیم و «ایاک نستعین» ما داریم از تو طلب کمک می‌کنیم، «إهدنا الصراط المستقیم» ما را به راه مستقیم هدایت کن، یعنی ضمیر را ضمیر جمع بکار می‌برد یعنی من و دیگران همه باید به فکر همدیگر باشیم و برای صلاح همدیگر حرکت کنیم. صراط مستقیم همه ما، کمک گرفتن همه ما از خداوند، این ضمیرهای جمع، تقویت کننده توجه به دیگران در رفتارها هست و همین سبب می‌شود که همدلی ما و برادری ما نسبت به دیگران افزایش پیدا کند ولو که ما نمازمان را فرادا بخوانیم.

از طرف دیگر، در کنار تأثیرگذاری خود نماز در توجه به سعادت دیگران به خوشبختی دیگران، دعا کردن در حق دیگران، ما در نمازهای مستحبی‌مان، در قنوت‌مان، در جاهای مختلف دیگران را دعا می‌کنیم، در نماز شب چهل تا مؤمن را دعا می‌کنیم، و توجه ویژه به دیگران داریم، در قنوت به پدر و مادر دعا می‌کنیم به مؤمنین دعا می‌کنیم، بعد از نماز دعا می‌کنیم، این دعا‌هایی که به غیر خود می‌کنیم و توجهی که به غیر خود داریم این سبب تقویت ایجاد همدلی و برادری به دیگران می‌شود، سبب تألیف قلوب می‌شود. این از یک جهت، از جهت دیگر، خود کسی که نماز می‌خواند و چون نماز به تقویت ارزش‌های دینی منجر می‌شود و یکی از ارزش‌ها در اسلام اخوت و همدلی است، کسی که اهل نماز است به همدلی توجه بیشتر دارد و اگر توجه ندارد باید او را توجه داد، اگر نمازش با توجه و با معرفت بشود، به اخوت و همدلی و مهربانی با دیگران اهتمام خواهد ورزید. در روایت داریم که در نماز، پیامبر تأکید می‌فرمودند که شما صفوف را فشرده قرار بدهید، نزدیک هم باشید، که همین نزدیک شدن صفوف به همدیگر، سبب نزدیک شدن قلوب نمازگزاران به همدیگر می‌شود و کسی که وارد نماز می‌شود در کنار یکی دیگر قرار می‌گیرد آنجا دیگر ثروت و جایگاه اجتماعی‌اش را در نظر نمی‌گیرد در کنار یکی دیگر می‌ایستد. نمی‌گوید



این پول ندارد یا از طبقه پایین‌تری هست، همه در کنار هم قرار می‌گیرند همین قرار گرفتن در کنار یکدیگر و نزدیک شدن به هم، فشرده کردن صف‌ها به پیوند بیشتر قلب‌ها کمک می‌کند. چنانکه پیامبر اکرم (ص) بر این مطلب تأکید دارند که خود همین نزدیک شدن در صف‌ها سبب نزدیکی قلوب می‌شود «تماسوا تراحموا» حضرت می‌فرمایند که صف‌هایتان را منظم بکنید تا قلوب‌تان به همدیگر نزدیک و برابر شود و با همدیگر نزدیک بشوید در تماس قرار بگیرید تا این سبب شود که ترحم‌تان به همدیگر افزایش پیدا کند و هم مهربان‌تر شوید. بنابراین خود نماز جماعت، از جمله عوامل مؤثر در تألیف قلوب و ایجاد همدلی و برابری است. قرآن هم یکی از معیارهای برادری را نماز ذکر می‌کند. در سوره توبه/ آیه ۱۱، حضرت می‌فرمایند: «فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآخَوَانُكُمْ فِي الدِّينِ» اگر توبه کنند و اقامه صلوات کنند و زکات بدهند پس برادران شما در دین می‌شوند. یعنی معیار برادری در دین، اقامه صلاه، ادای زکات و توبه است. از جمله برکات اجتماعی دین، آشنا شدن با همدیگر است. وقتی که انسان دنبال دوستی می‌گردد انسان نیازمند ارتباط دوستی با دیگران است. یکی از کانون‌های دوست‌یابی می‌تواند مساجد باشد. جوانان اگر می‌خواهند دوستان خوب و شایسته پیدا کنند از طریق مساجد می‌توانند این را تأمین کنند. دوستانی که از طریق مسجد به دست می‌آیند اولاً نیاز اجتماعی جوان را برآورده می‌کنند. و ثانیاً کسانی که به دست می‌آورند دوستان شایسته‌ای خواهد بود. در روایات هم تأکید شده بر نقش نماز جماعت در پیدا کردن دوستان شایسته.